

در هر اتاقی، محل های امن را مشخص کنید (مثلا زیر یک میز محکم یا کنار ستون ها یا دیوارهای مجاور آنها).

اتهام محیط زیست به پیمانکار آزادراه تهران - شمال

مدیر کل محیط زیست البرز در خصوص مرگ ماهی های خال قرمز در رودخانه کرج می گوید سیمان مورد استفاده برای مقاوم سازی پایه پلی که در مسیر این بزرگراه قرار دارد، وارد رودخانه شده و باعث تلف شدن تعدادی از قزل آلهای خال قرمز شده است. فردین حکیمی با اشاره به ورود فاضلاب شهری به رودخانه کرج گفت: «در چند روز گذشته شاهد ورود فاضلاب شهری و روان آب های سطحی سه راه عظیمیه و منطقه اسلام آباد به پایین دست رودخانه کرج (بعدا از آبگیر بیلقان) بوده ایم. این مسیر در گذشته به واسطه پیگیری های صورت گرفته مسدود شده بود، ولی اخیرا دوباره باز شده که برای جلوگیری از ادامه این روند مکاتباتی با شهرداری صورت گرفته و به زودی گزارش نهایی در خصوص اقدامات انجام شده در این خصوص ارائه می شود.» این مسئول در ادامه با اشاره به مرگ تعدادی ماهی قزل آلاي خال قرمز به واسطه تکمیل آزادراه تهران - شمال ادامه داد: «سیمان مورد استفاده برای مقاوم سازی پایه پلی که در مسیر این بزرگراه قرار دارد، وارد رودخانه شده و باعث تلف شدن تعدادی از قزل آلهای خال قرمز شده است.»

در نشست «واکاوی نسبت نظام حمایتی و بیمه ای با مسأله کودکان کار» مطرح شد

وزارت کار به دنبال طرح جایگزین برای کودکان کار



عکس: محمد دلکش

«جامع بودن برنامه چیزی فراتر از تقسیم کار امروری میان سه سازمان بهزیستی، شهرداری و وزارت رفاه است. برای مثال تا زمانی که شرایط تحصیل برای کودکان فراهم نباشد، احتمال کار کودکان افزایش می یابد. در نتیجه هر قدر هزینه تحصیل کاهش یابد، کودکان کمتری وارد چرخه کار می شوند. تفاوت این سیاست با طرح های سازماندهی این است که دیگر کودکان دستگیر نمی شوند و در حقیقت در پی آن هستیم برای کودکان شرایطی فراهم شود تا با برخورداری از آموزش و تحصیل با کیفیت، از سوق یافتن شان به کار پیشگیری شود. حمایت های اجتماعی دیگر سیاست جایگزین برای کار کودکان است تا زمانی که پوشش تامین اجتماعی توسعه نیابد و خانوارها از حمایت های لازم برخوردار نباشند، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که خانواده ها فرزندان خود را به جای مدرسه، سر کار نفرستند.»

مدیر کل دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران کلید حل مسأله ابر خورد با عوامل ایجاد و تشدید کننده کودکان کار دانسته و گفت: «در زمینه کودکان کار افغانستانی کلید حل مسأله، برخورد با قاچاقچیان است که کودکان را وارد کشور می کنند و نه رد مرز آنها. سالانه حدود ۵۰۰ هزار نفر با ملیت افغانستانی به عنوان نیروی کار ارزان به صورت غیر قانونی وارد کشور می شوند که بخش زیادی از آنها هم کودکان هستند. حداقل کاری که در این زمینه می توان انجام داد، تدوین قواعدی است که از میزان قاچاق کودکان کم کند. در مقابل اگر شرایط ورود قانونی را تسهیل کنیم و اجازه بدهیم خانوارهای خارجی جویای کار به صورت قانونی وارد کشور شوند، در آن صورت می توان برای کسانی که در کشور حضور دارند، پوشش قانونی بهتری ایجاد کرد. یعنی تا زمانی که برای کودکان کار غیر ایرانی پوشش حمایتی لازم را ایجاد نکنیم و شرایط ورود غیر قانونی سخت تر نشود، مسأله کار کودکان هم به نتیجه نخواهد رسید. بنابراین اگر برنامه های بلندمدت برای کنترل ورود غیر قانونی کودکان خارجی به کشور اجرا نشود و در داخل هم حمایت ها گسترش یابد، در آن صورت می توان در بازه ای ۱۰ تا ۱۵ ساله انتظار داشت کار کودکان کمتر شود.»

این طرح مقطعی نیست و استمرار خواهد داشت
رضاجعفری، مدیر کل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی سخنان سوم نشست طرح جمع آوری کودکان کار و خیابان بود تا از دیدگاه بهزیستی و برنامه های آن برای بهتر اجرایی شدن این طرح بگوید.

جعفری در ابتدای صحبت هایش از مخالفت نکردن صریح شهرداری با شیوه کنونی اجرای طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان گفت: «شهرداری صریحا مخالفت خود را با این طرح اعلام نکرده است. نکته بعدی این که سازمان بهزیستی از اساس به رویکرد و ابزار قهری و سلبی در اجرای طرح اعتقاد ندارد. موضوع دیگری که باید بر آن تأکید کرد این است که تاکنون در فرآیند اجرای طرح هیچ کودکی از طریق وزارت کشور به اداره اتباع خارجی تحویل داده نشده است. به عبارت دیگر، اکثر کودکانی که در مراکز نگهداری «بعثت» و «پاسر» و «شهدای افسر» به سازماندهی شده اند، کودکان افغانستانی اند که امکان بازگشت آنها به کشورشان وجود ندارد و همان طور که کنوانسیون های بین المللی عودت کودکان زیر ۱۸ سال به سرزمین مادری شان را ممنوع کرده اند، اداره اتباع خارجی هم زیر بار درمزر کودکان افغانستانی نرفته است.»

این سخنران با تکیه بر بررسی های سازمان بهزیستی در زمینه تعداد کودکان کار گفت: «حدود ۴ هزار کودک در سطح کشور، ناظر بر تخصیص منابع است. بر اساس بر آورد ها، زباله خشک در شهر تهران سالانه حدود ۲۵۰۰ میلیارد تومان ارزش افزوده ایجاد می کند که تنها ۵/۲ درصد آن به کودکان می رسد. در دو سال گذشته تقریبی کوچک در مناسبات و ضوابط میان شهرداری و پیمانکاران حدود ۱۸۰ میلیارد تومان سود بیشتر نصیب شهرداری کرد. در این حوزه چون حاشیه سود بسیار بالاست، بحث ما این است که اگر نگاهی اجتماعی به مسأله زباله خشک تزریق شود، می توان درصدی از درآمدهای این حوزه را برای حذف پدیده زباله گردی کودکان تخصیص داد. ما اگر پیمانکاران را مجازات کنیم که کودکان را به کار نکیرند، کودکان کجا بروند؟ حتی اگر زباله هادر میدا جمع آوری شود، برای کودکان چه اتفاقی می افتد؟»

یزدانی در ادامه گفت: «۲۰ سال پیش مسئولان وقت انکاری می کردند که پدیده ای به نام کودک کار در کشور وجود دارد و آنها نهاد های مدنی پای کار آمدند و به مسئولان اثبات کردند که واقعیت بر خلاف تصور آنهاست. سازمان های مردم نهاد فعال در زمینه کار کودکان آن قدر توان محدودی دارند و آنچنان در گیر کار روزانه شده اند که عملاتی توانند بر راهکار های عملیاتی و اساسی تمرکز کنند. بنابراین با تن دادن به گفت و گوهای اجتماعی میان دولت و نهادهای مدنی می توان به سیاست گذاری صحیح تر و راه حل های در دست تر دست یافت.»

مدیر انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه این رویه را باز تولید کودکان کار عنوان کرد و گفت: «گر دست روی دست بگذاریم، چرخه تولید و باز تولید کودک کار تکرار می شود و حوزه اجتماعی مقهور مناسبات بازار خواهد شد. یعنی اگر برنامه مشخص و رویکردی جامع نسبت به آسیب های اجتماعی نداشته باشیم چه بسا مکانیزم های تولید کننده فقر و نابرابری چندین برابر میزان کنونی کودک کار تولید می کنند. بنابراین باید مسطح چانه زنی ها را بالا برد و به ویژه وزارت رفاه با ابزار هایی که در اختیار دارد، رویکرد اجتماعی و رفاهی فعال تر و مشارکت جویانه تری در برابر تحولات و دگرگونی های اقتصادی و اجتماعی داشته باشد و کار کدهای خود را نشان دهد و به اثبات برساند.»

دغدغهای به نام ناز بیا بودن شهر!

آرش نصرافهانی، مدیر کل دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، سخنران دوم این نشست بود تا از مواضع شهرداری در اجرایی شدن طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان بگوید. «ویژگی اصلی طرح های به اصطلاح سازماندهی کودکان کار شکل رویت پذیری کار کودکان است. طرح جدید سازماندهی کودکان با دستور یکی از مسئولان که کودکان کار را در خیابان می بیند و خواستار جمع آوری آنها می شود، شروع شد. متأسفانه اگر کودکی در مزرعه یا بنگاه یا کارگاه زیرزمینی یا گاراژ تفکیک زباله کار کند، دغدغه کسی نیست. دغدغه آنجاست که کودکان کار دیده می شوند و سیمای شهر را از بیابانی می کنند. به همین دلیل از واژه «جمع آوری» که در شهرداری مختص به زباله است، استفاده می شود.»

نصرافهانی در ادامه صحبت هایش به ویژگی های مهم چنین طرح هایی اشاره کرد تا ثابت کند که طرح هایی از این دست گره ای از مشکلات کودکان کار باز نمی کنند. «ویژگی مهم چنین طرح هایی استفاده از ابزارهای قهری و تنبیهی است که مستقیما هم متوجه شخص کودکان می شود؛ یعنی با طرح جمع آوری کودکان هدف قرار گرفته می شوند تا خانواده های آنها مجازات شوند. مکانیزم چنین فرایندی چیزی نیست جز آزار کودکان در

گفت و گوی اجتماعی شکل دهیم

فرشید یزدانی، کارشناس تامین اجتماعی و مدیر انجمن حمایت از حقوق کودکان، آخرین سخنران نشست طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان بود و از اتفاقاتی که در طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان افتاد، گفت و تمام تأکیدش بر شکل گیری گفت و گوی اجتماعی در این زمینه بود.

یزدانی در ابتدای صحبتش با اشاره به این که در مسائلی نظیر کودکان کار همیشه گفته می شود نهادهای اجتماعی پای کار بیایند اما در عمل هیچ اتفاق تازه ای رخ نمی دهد، گفت: «مسأله این است که ابزارها، امکانات و منابع در اختیار دولت و دستگاه هایی نظیر بهزیستی است، بنابراین نمی توان انتظار داشت نهادهای مدنی کاری از پیش ببرند. در حالی که در ساده ترین شکل ممکن می توان یک بار برای همیشه ظرف چندماه کاری پژوهشی انجام داد و راهکارهای مر حله ای برای کار کودکان استخراج کرد. متأسفانه نه تنها این اتفاق نیفتاده بلکه همه ساله مسئولان در برابر انتقاداتی که مطرح می شود، می گویند نهادهای مدنی به عرصه بیایند و اگر پیشنهاد های بهتری دارند، مشارکت کنند. بحث ما این است که دولت ابتدا باید از موضع خود عقب بنشیند و امکان گفت و گوی اجتماعی را فراهم کند تا بعد به راه حل ها رسید، بنابراین سازمان های مردم نهاد باید به حوزه سیاست گذاری و یافتن راه حل برای کاهش کار کودک با رویکرد پژوهشی و مشارکت طلبانه ورود پیدا کنند.»

مدیر انجمن حمایت از حقوق کودکان کاری طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان را معطوف به کم کردن چند روزه این کودکان در عرصه عمومی دانست و گفت: «با اجرایی شدن طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان تنها بعضی از کودکان از ترس دستگیری پنهان یا در عرصه های دیگر به طور موقت مشغول به کار شده اند تا فروکش کردن بگیر و ببندها، دوباره به خیابان باز گردند. به نظر می رسد دلیل اصلی نتیجه بخش نبودن سیاست های کاهش کار کودکان در خیابان به پارادایم حاکم بر موضوع برمی گردد. ما در حوزه کودکان کار مثل بسیاری از عرصه های دیگر بر پذیرش واقعیت ها تأکید داریم. در حوزه کار کودکان، واقعیت عبارت است از پذیرش فقر و نابرابری. این که ما چنین واقعیتی را بپذیریم، مستلزم داشتن راهکار و نقشه راه برای مقابله و کنترل آن است.»

این کارشناس تأمین اجتماعی منابع را محدود ندانست و گفت: «ناز منابع در

با کار کودکان است. به این صورت که با کمترین بودجه ممکن آن هم در مدت زمانی کوتاه وارد می شوند و اثری کوتاه هم در عرصه عمومی شهر به جا گذاشته می شود.»

مدیر کل دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران طرح جدید سازماندهی کودکان را متفاوت با سایر دور، هه دانسته و گفت: «تفاوت این دوره کنونی طرح با گذشته این است که کودکان کار و خیابان غیر ایرانی اغلب افغان راد مرز کردند و این احتمالا با توافق میان دو دولت ایران و افغانستان اجرا می شود. از طرف دیگر چون موضوع اصلی عرصه عمومی شهر است، شهرداری تهران هم همیشه پای ثابت طرح های سازماندهی کودکان کار بوده و با دیگر نهادهای فعال در این حوزه با هدف زیباتر کردن فضای شهری همراهی کرده تا کودکان از سطح شهر جمع آوری شوند. منتها انگار برای هیچ کدام از ارکان اجرای طرح اهمیتی ندارد که کودکان کار بعد از دستگیری به کجا منتقل می شوند و چه سرنوشتی خواهند داشت. کمالینکه پشتوانه قانونی طرح های سازماندهی هم بر همین اساس چیده شده تا نوعی تقسیم کار بی سازمانی و فرآیند انضباطی و تنبیهی طی شود.»

نصرافهانی مسأله اصلی را کم شدن کار کودک عنوان کرد، نه حذف کودکان کار و خیابان از عرصه عمومی شهر و گفت:

شهروند | طرح هایی مانند سازماندهی کودکان کار و خیابان تازه حال حدود سی بار تکرار شده؛ طرح هایی که هر بار با اجرا شدن شان واکنش ها و انتقادهای زیادی را برمی انگیزند. تابستان امسال هم سازمان بهزیستی با همکاری انجمن حامی، طرحی را برای سازماندهی کودکان کار و خیابان اجرا کرد که موجی از واکنش ها را به دنبال داشت. تعدادی از فعالان حقوق کودکان اجرای چنین طرح هایی را بی اثر و خلاف حقوق کودکان دانستند. حالا این طور که به نظر می رسد، مسئولان بعضی وزارتخانه ها هم با اجرای این طرح مخالفتند؛ موضوعی که در نشست هفته نامه «آینه نو» که رسانه تخصصی حوزه رفاه و تامین اجتماعی است با عنوان «واکاوی نسبت نظام حمایتی و بیمه ای با مسأله کودکان کار» برگزار کرد، مطرح شد. نشست می برای واکاوی طرح سازماندهی کودکان کار از منظر حمایتی و رفاهی و چرایی ناکام ماندن این طرح با شرکت نمایندگان از دولت، شهرداری و یکی از نهادهای مردم نهاد فعال در زمینه کودکان کار برگزار شد.

لیلا توحیدیان، معاون مدیر کل دفتر آسیب های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اولین سخنران این نشست بود که به طرح سازماندهی کودکان کار از دیدگاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پرداخت و با اشاره به مصوبه هیات وزیران در سال ۸۴ متولی سازماندهی کودکان کار و خیابان را وزارت رفاه معرفی کرد؛ وظیفه ای که باعث تشکیل شورایی به همین نام هم شد: «طبق آیین نامه موضوع، شناسایی، سازماندهی و توانمندسازی و حمایت اجتماعی در قالب آیین نامه توضیح داده شده اما متأسفانه تا سال ۹۲ مسکوت ماند. با روی کار آمدن دولت یازدهم، وزارت رفاه علاوه بر تحقیقات و مطالعات فراوان درباره موضوع کودکان کار، جلسات فراوانی با «ان جی او» ها و نهادهای مدنی فعال در این حوزه برگزار کرد، اتاق فکر کودکان کار تشکیل شد و در نهایت آیین نامه سازماندهی کودکان کار برای کاهش شمار تعداد کودکان کار و افزایش دسترسی آنها به حقوق خود آسیب شناسی شد.» توحیدیان در ادامه درباره تغییراتی که در دیدگاه وزارتخانه مربوطه به وجود آمده و باعث فراهم شدن تصویب آیین نامه جدید شده، گفت: «در آیین نامه سابق ۱۱ دستگاه مشارکت داشتند و تصمیم بر این شد که از ظرفیت نهادهای غیر دولتی و مدنی هم استفاده شود. گرچه پروژه تدوین آیین نامه جدید به درازا کشید، نکته این است که سازمان های مدنی و سمن ها در آن مشارکت جدی داشتند. در آیین نامه جدید به این نتیجه رسیدیم که اساسا باید بحث سازماندهی کودکان کار را کنار گذاشت و حتی نام آیین نامه را نیز به «حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان» تغییر دادیم. آیین نامه از سال ۹۲ اجرایی شد و از حدود یک ماه پیش هم در هیات دولت مطرح شده است.»

معاون مدیر کل دفتر آسیب های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باور این وزارتخانه را شناسایی کودکان کار و خیابان دانست، نه جمع آوری این کودکان: «تغییر این جهت گیری و اقتناع سازی دولت و سازمان ها و سایر نهادهای متولی مسأله کودکان در کمیسیون های تخصصی به نظر ما کار بزرگی است که در کنار نهادهای نامرئی های اجرای طرح، پیشرفتی رویه جلو و مثبت تلقی می شود که نباید از آن چشم پوشی کرد. ما معتقدیم تا زمانی که ماندن نیمه چرخه تعداد کودکان کار و خیابان در کشور داریم و از ویژگی های آنها اطلاع نداشته باشیم، نمی توانیم برای آنها برنامه ریزی کنیم و سیاست ها هم از رومه موفقیت ختم نمی شوند. گرچه مدت ها است طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان اجرا می شود.» توحیدیان در این نشست از سرسختی وزارت رفاه در مخالفت با نهادهای اجرای طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان گفت: «وزارت رفاه از دو سال پیش از مخالفت سرسخت آن بوده است؛ چرا که آیین نامه جدید با رویکرد حمایت اجتماعی تدوین شده نهادهای مدنی را در سیاست گذاری ها به مشارکت طلبیده ایم و بر توانمندسازی خانواده های آنها تأکید کرده ایم. ارتباطات با سمن ها تعاملی است و کوشیده ایم حداقل نظر مشورتی نهادهای مدنی را اخذ کنیم. در طرح شناسایی اقشار کم درآمد نهادهای مردم نهاد فعال در حوزه کودکان خواسته ایم که فرزندان خانوارهای کم درآمد را به وزارت رفاه معرفی کنند تا از خدمات حمایتی برخوردار شوند یا این که در طرح شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل هم برای جلوگیری از کار کودکان یارانه تحصیل در نظر گرفته شده است.»

این سخنران با تکیه بر بررسی های صورت گرفته در طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان گفت: «طبق بررسی های ما حدود ۷۰ درصد از این کودکان، مهاجر و تبعه خارجی فاقد اوراق هویتی اند که هیچ خاستگاه و اطلاعات موثقی در باره آنها وجود ندارد؛ بنابراین در موضوع کودکان کار باید بر کودکان خارجی توجه و دغدغه دشمن آنها از مرزهای کشور یا مکان های استقرار و شرایط زندگی آنها تمرکز کرد. مسأله دیگر این است که لزوما کودکان کار در انتظار ظاهر نمی شوند و چه بسا بسیاری از آنها در کارگاه های زیرزمینی مشغول به کارند؛ به عبارت دیگر اگر سیاست گذاری هایی برای کودکان کار مناسب و منطقی نباشد، به احتمال زیاد بسیاری از آنها در کارگاه های زیرزمینی به کار مشغول می شوند و وضع کنونی اسفبار تر خواهد شد. وزارت رفاه در تلاش است اعتبارات آسیب های اجتماعی را به سمت سازمان بهزیستی جهت دهی کند تا سرمایه گذاری بیشتری بر حمایت اجتماعی از کودکان کار صورت گیرد.»